



۸۸۰۰۱۴۱

پیشبرد دیپلماسی اقتصادی در دوران پساتحریم، منوط به فعالیت هرچه بیشتر و شکوفائی بخش خصوصی است. اما در دنیای امروز، توفیق در عرصه‌ی هم‌وردی رقابت‌ها و تعاملات مربوط به دیپلماسی اقتصادی، جز با بسترسازی مناسب حقوقی، و نیز تدوین سیاست رسانه‌ای نوین و متناسب با شرایط پیچیده حاکم بر ارتباطات رسانه‌ای جهانی و سوق دادن افکار عمومی بر اساس آن، میسر نیست.

روز پنجم شهریورماه، نشست با عنوان چشم‌انداز کسب‌وکار در ایران - فرصت‌های نو، از سوی مؤسسه‌ی سوئیس گلوبال اینترپرایز و با همکاری اتاق بازرگانی ایران و سوئیس، با حضور نمایندگان حدوداً ۴۵۰ شرکت سوئیسی و ایرانی در شهر زوریخ برگزار شد. شرکت‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری و بانک‌های معتبری در این نشست شرکت کردند. فرصتی پیش آمد تا به عنوان حقوق‌دان در این نشست مهم اقتصادی شرکت کنم. این برنامه، دربردارنده‌ی تبادل آخرین اطلاعات و تحلیل‌ها راجع به وضعیت اقتصادی ایران بعد از توافق هسته‌ای و دوره‌ی پس از رفع تحریم‌ها بود. این نشست بر اساس این پیش‌فرض طراحی شده بود که انتظار می‌رود نقش اقتصادی ایران به‌زودی به صورت محسوسی بهبود یابد. فضای مناسبی بود تا ظرفیت‌های اقتصادی و بازرگانی و نیز امکان سرمایه‌گذاری در دوران پساتحریم از سوی کنشگران عرصه‌ی کسب‌وکار و نیز سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان سیاسی، مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

این چنین که مطرح شد استقبال از این نشست، بیش از برآورد نخستین برگزارکنندگان بود و فضای حاکم در سالن بزرگ اجتماعات هتل ماریوت نیز این اشتیاق عمومی را به خوبی نمایش می‌داد. در این نشست، در مجموع ده تن صحبت کردند. سخنران نخست به میزبانی، مسئولیت خوش‌آمدگویی و تبیین اهداف نشست را مطرح کرد و مدیر بخش منطقه‌ای مؤسسه میزبان و نیز رئیس اتاق بازرگانی ایران-سوئیس، به‌طور مشترک در پایان، نتیجه‌گیری و جمع‌بندی مباحث را به عهده داشتند. سایر سخنرانان که از میان شخصیت‌های سیاسی و بازرگانی بسیار باتجربه و کارشناس انتخاب شده بودند، هر یک در موضوعی مرتبط، بین ده تا پانزده دقیقه مباحث خود را ارائه دادند. موضوعاتی که در این نشست از سوی سخنرانان ارائه شد به صورت چکیده عبارت بودند از: تحولات اخیر و چشم‌انداز پیش رو، روابط اقتصادی دوجانبه با ایران، انتخاب‌های پیش‌رو در راه‌اندازی شرکت‌های خارجی در ایران از منظر حقوقی، درک کاربردی کسب‌وکار در ایران، مدیریت دارایی و راه‌حل‌ها، توسعه منطقه‌ای + ایران و چرا ایران، چرا اکنون و با چه کسی؟.

یکی از سخنرانان، سفیر کنونی سوئیس در ایران بود که با عنوان تحولات اخیر و چشم‌انداز پیش رو مطالب خود را با تلاش برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های در ذهن مخاطبان سوئیسی ارائه داد. سفیر کنونی، دکتر جولیه هاس، دکترای حقوق را از دانشگاه برن در سوئیس اخذ کرده و پیش از تصدی این مسئولیت در دو سال پیش، به مدت پنج سال، ریاست یکی از بانک‌های بزرگ خصوصی را به عهده داشته است. البته، پیش‌تر، ایشان مسئولیت‌های متعددی در وزارت خارجه

سوئیس داشته است. به نظر می‌رسد رویکرد دولت فدرال سوئیس در انتخاب سفیر برای جمهوری اسلامی ایران، بیش از آن که بر پایه‌ی ابعاد سیاسی باشد، ملاحظات اقتصادی را مدنظر دارد. شاهد دیگر بر غلبه‌ی بُعد دیپلماتیک اقتصادی بر رابطه سوئیس با ایران، این است که سفیر پیشین سوئیس در ایران به عنوان رئیس کنونی اتاق بازرگانی سوئیس-ایران، برگزیده شده است. یادآور می‌شوم که ماه گذشته، سوئیس نخستین کشور اروپایی بود که به لغو یک سری از تحریم‌ها علیه ایران، اقدام کرد.

جناب سفیر با آوردن شواهد و استدلال‌های متعددی، وضعیت پیش آمده پس از توافق میان ایران و کشورهای ۱+۵ را برای سرمایه‌گذاری شرکت‌های سوئیسی و تجارت با ایران بسیار مناسب ارزیابی کرده و در راستای تحقق منافع ملی کشور خود، به صورت جدی شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران سوئیسی را به ورود در بازار ایران و عدم از دست دادن فرصت، ترغیب کرد. جناب سفیر با فن بیان عالی و شوخ‌طبعی و با بهره‌جستن از تکنیک‌های مختلف و استفاده از تصویرها و نمودارها و اسلاید از فرصت محدودی که در اختیار داشت برای جذب مخاطبان به ایده‌های خویش، استفاده کرد و در پایان سخنرانی نیز با تشویق بسیار خوب حاضران مواجه شد. پس از پایان سخنرانی، ایشان برخلاف روال متعارفی که از دیپلمات‌ها دیده می‌شود تا آخر برنامه و مراسم پذیرایی حضور داشت و مدام به پرسش‌های شرکت‌کنندگان پاسخ می‌گفت و با شبکه‌ها و روزنامه‌های حاضر در نشست نیز مصاحبه انجام داد.

با توجه به سخنرانی‌های ارزنده و حضور فوق‌العاده چشم‌گیر شرکت‌کنندگان، پیش‌بینی می‌شد که اخبار نشست در شب آن روز و روز پس از آن، بازتاب گسترده و مثبتی در رسانه‌ها داشته باشد. اما، نکته شگفت‌انگیز، که تأثیرپذیری زیاد عرصه‌ی اقتصاد و کسب‌وکار از فضای سیاسی و رسانه‌ای را به خوبی نشان می‌دهد، آن است که اخبار این نشست موفق تحت‌الشعاع یک خبر حاشیه‌ای اما بسیار مهم قرار گرفت. خبر حاکی از آن بود که وزارت امور خارجه سوئیس طی بیانیه‌ای، از نمایش کاریکاتور نتانیاها توسط سفیر این کشور در ایران، ابراز تأسف کرده است و با وجودی که آقای سفیر با نمایش کاریکاتور مزبور، قصد توهین به هیچ‌کس را نداشته از هر کس که احساس می‌کند مورد توهین قرار گرفته پوزش می‌خواهد.

با خواندن بیانیه و ملاحظه بازتاب گسترده آن، این پرسش در ذهن شکل می‌گیرد که از میان همه‌ی صحبت‌های سخنرانان و از تمامی نکات ریز و درشتی که این سخنران محترم مطرح کرد، چگونه یک اقدام بسیار حاشیه‌ای، هم‌چون نمایش یک کاریکاتور در کنار تصویرها و کاریکاتورهای دیگر، که همه برای انتقال بهتر مطلب و فارغ از هرگونه نیش یا کنایه و قصد اهانتی، می‌تواند کار را به جایی برساند که وزارت خارجه سوئیس چنین بیانیه‌ای صادر کند؟ به‌ویژه، آن زمان که آقای سفیر این تصویر را -که پیش از این در رسانه‌های غربی منتشر شده بود- نشان می‌داد، خود با لحن مزاح‌آلود مطرح کرد که گرچه این کاریکاتور تا حدی مبتذل است، اما برای نشان دادن نمادین وضعیت پیش‌آمده پس از توافق هسته‌ای جالب به نظر آمد و این مورد هم‌چون سایر موارد که به مزاح گفته شد، با خنده و استقبال حاضران مواجه شد.

سخن در رابطه با اقدام وزارت خارجه سوئیس در صدور بیانیه نیست. چرا که این کشور دارای جایگاه قابل احترام در دنیا،

براساس منافع و مصالح خود، سیاست‌های خویش را تنظیم می‌کند. ضمناً، نیازی به آن نیست که در باب حساسیت‌های فوق‌العاده لابی‌های هوادار اسرائیل و فشارهای روزافزون آنان در رابطه با محدودکردن بازتاب موفقیت‌های ایران به دنبال درخطر دیدن منافع خویش، سخنی گفته شود. روشن است که همین تلاش‌ها و فشارها می‌تواند نشان‌گر خوبی برای حاکمیت وضعیت دوگانگی استاندارد، حتی در مسائل مهمی همچون آزادی بیان و تلقی توهین از یک کاریکاتور باشد. اما نکته‌ی مهمی که به نظر می‌رسد جای دغدغه داشته باشد آن است که چنین فرایند تبلیغاتی چگونه می‌تواند نتایج و دستاوردهای ارزشمند چنین نشست اقتصادی مهمی را تحت‌الشعاع قرار دهد. نمایش یک کاریکاتور با یک بازی و ترفند تبلیغاتی حساب شده، می‌تواند دستاوردهای یک واقعه‌ی مهم در عرصه‌ی روابط دیپلماسی اقتصادی میان ایران و کشوری با جایگاه اقتصادی بالا، چون سوئیس را به حاشیه می‌برد. البته که از این دست بازی‌های سیاسی و رسانه‌ای، چه در فضای بین‌المللی و چه در فضای داخلی بسیار است. اما، آن‌چه ضروری می‌نمایاند، لزوم هوشیاری هرچه بیشتر ماست. پیام این نشست و متن جریان این است که شرایط بعد از توافق هسته‌ای، موقعیت اقتصادی ایران برای تعامل با دنیا و سرمایه‌گذاری در این کشور را ارتقا بخشیده است. باقی، همه حاشیه است.

آن‌چه گذشت و چگونگی بازتاب رسانه‌ای آن در فضای رسانه‌ای داخلی و بین‌المللی، یادآور یک موضوع مهم دیگر نیز هست و آن توجه به این مسئله است که در کنار اهمیت داشتن فعالیت‌های ارزنده در حوزه تعاملات اقتصاد و بازرگانی، مسئولیت ارائه تصویر شایسته از دستاوردهای آن اقدامات و تعاملات نیز به عهده ماست. البته روشن است که پیشبرد دیپلماسی اقتصادی در دوران پساتحریم، منوط به فعالیت هرچه بیشتر و شکوفائی بخش خصوصی است. اما در دنیای امروز، توفیق در عرصه‌ی هم‌وردی رقابت‌ها و تعاملات مربوط به دیپلماسی اقتصادی، جز با بسترسازی مناسب حقوقی، و نیز تدوین سیاست رسانه‌ای نوین و متناسب با شرایط پیچیده حاکم بر ارتباطات رسانه‌ای جهانی و سوق دادن افکار عمومی بر اساس آن، میسر نیست.

در پایان، به نظر می‌رسد توصیف جناب سفیر دولت فدرال سوئیس در تهران، از شرایط کنونی کشورمان و رو به مخاطبان هم‌وطن خود در این نشست، به گونه‌ای عمیق و دقیق بوده که جای داشته باشد در آن لختی بیندیشیم. ایشان در طی سخنرانی خود در این نشست، در جایی مطرح کرد که تعامل با ایران، اکنون یا هرگز و در دو جای دیگر یادآور شد که: ایران، قطب امنیت در یک منطقه بسیار بسیار ناامن است. وضعیت کنونی پیش‌آمده برای کشور خود را درک کرده، قدر نهاده و با سیاست‌گذاری بهینه بهره ببریم.